

Split Ergativity in The Central Dialect of Talishi

Jinia Nourian¹

The present research accounts for the characteristic pattern of split ergativity in the central dialect of Talishi language as one of the most important modern endangered North-Western Iranian languages. The present research is focused on the central dialect to present a scientific analysis of the split ergative data within the domain of active simple transitive sentences. The analysis demonstrates the split ergative pattern according to Butt's criteria of NP-split and Tense/Aspect in the central dialect of Talishi. Accordingly, ergative constructions occur in sentences including verbs of past tense and perfective aspect while accusative constructions appear in other tenses. Moreover according to NP-split in ergative sentences first and second person singular together with second person plural pronouns appear in the absolutive case and not in the ergative when they function as subject (A).

Keywords: Split Ergativity, Tense/Aspect split, NP-Split, Central Dialect of Talishi

¹- M.A graduate, Linguistics Department, Shahid Beheshti University
Gnourian@gmail.com

بررسی ویژگی ارگتیو دوجزیی در گویش مرکزی زبان تالشی

ژینیا نوریان^۱

چکیده

بررسی حالت‌نمایی فاعل (A) و مفعول (O) در بندهای گذرای گویش مرکزی زبان تالشی به عنوان گویشی از یک زبان نوین متعلق به خانواده زبان‌های ایرانی شمال غربی که در زمره زبان‌های درخطر نیز قرار دارد، نشان‌دهنده وجود ویژگی ارگتیو دوجزیی در این گویش است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی ارگتیو دوجزیی بر مبنای معیارهای زمان/ نمود و گروه اسمی در دامنه بندهای گذرای معلوم و ساده از طریق ارائه تحلیل علمی تصریف حالت و مطابقت شخص و شمار در قالب بندهای مورد نظر و برداشتن گامی در جهت مستندسازی گویشی در معرض خطر است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و میدانی (مصاحبه با گویشوران بومی) گردآوری شده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ویژگی ارگتیو دوجزیی در گویش مرکزی زبان تالشی بر مبنای زمان ماده فعلی ماضی در برابر مضارع و نیز بر اساس شخص و شمار ضمیرهای فاعلی منفصل در بندهای گذرای معلوم و ساده دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ارگتیو دوجزیی، معیار زمان/ نمود، معیار گروه اسمی، گویش مرکزی زبان تالشی

۱- مقدمه

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل ویژگی ارگتیو دوجزیی^۲ در دامنه بندهای گذرای^۳ ساده^۴ و معلوم^۵ گویش مرکزی زبان تالشی است که به عنوان یکی از مهم‌ترین زبان‌های نوین ایرانی در خانواده زبانی ایرانی شمال غربی معرفی شده است (باقری، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۱۰). گویش مرکزی زبان

۱- کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی Gnourian@gmail.com

^۲- split ergativity

^۳-transitive

^۴- simple sentences

^۵- active

تالشی به دلیل حفظ ویژگی‌های زبانی از دوران کهن و میانه و در نتیجه نفوذ کمتر زبان‌های فارسی و ترکی نسبت به دیگر گویش‌های آن (عبدلی، ۱۳۸۰ ب: ۱۸-۱۹) انتخاب شده است. داده‌های مورد تحلیل در قالب بندهای ساده و معلوم از گویش مرکزی زبان تالشی از رضایتی (۱۳۸۶) و نیز از طریق مصاحبه با گویشوران بومی گویش مزبور ساکن در منطقه پره‌سر گردآوری شده است. ویژگی گویشوران از نظر سنی، جنسیت و تحصیلات عبارتست از ۳۱ ساله، مرد، کارشناس ارشد زبان روسی - ۲۵ ساله، زن، دیپلمه - ۱۷ ساله، زن، دیپلمه - ۲۵ ساله، زن، دیپلمه - ۶۰ ساله، زن، بی‌سواد. به منظور تحلیل داده‌های مورد بررسی، ابتدا صورت آوانگاری شده داده‌ها، سپس تحلیل تصریفی حالت در هر صورت واژگانی و به دنبال آن برگردان فارسی نمونه‌های زبانی ارائه می‌گردد (به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر در پژوهش، برگردان واژه‌های تالشی در تمامی مثال‌ها به فارسی، توسط گویشوران بومی گویش مرکزی زبان تالشی انجام و همراه با تحلیل زبان‌شناختی ساخت‌ها ارائه شده است).

۱-۱- فرضیه‌های پژوهش

۱- زبان تالشی به گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی نوین تعلق دارد. بسیاری از زبان‌های متعلق به این گروه ویژگی ارگتیو دوجزیی را بروز می‌دهند. بنابراین انتظار می‌رود گویش مرکزی زبان تالشی که ویژگی ارگتیو^۱ را حفظ کرده است، الگوی ارگتیو دوجزیی را به عنوان یکی از ویژگی‌های زبان‌های ایرانی غربی نوین نمایان سازد.

۲- انتظار می‌رود گویش مرکزی زبان تالشی ویژگی ارگتیو دوجزیی را بر مبنای هر دو معیار زمان/ نمود و گروه اسمی نشان دهد.

۲- پیشینه پژوهش

زبان تالشی و گویش‌های آن از دیدگاه‌های گوناگون توسط پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی‌های انجام شده درباره این زبان به عنوان زبانی ارگتیو را زبان‌شناسان روس آغاز کرده‌اند. این پژوهش‌ها به ویژه با کار میلر^۲ (۱۹۵۳) آغاز (آساطریان و برجیان، ۲۰۰۵: ۶۰) و سپس با پژوهش‌های ارانسکی^۳ و ویندفور^۴ (۱۹۸۷)، (به نقل از رضایتی، ۱۳۸۴) ادامه یافته است. رضایتی نخستین پژوهشگری است که در ایران گویش مرکزی زبان تالشی را از نظر حالت‌نمایی

۲- در این پژوهش، در بندهای متعددی، حالت مطلق (بی‌نشان) در برابر حالت ارگتیو (نشاندار) در نظر گرفته شده است.

²- Miller

³- Oranskij

⁴- Windfuhr

ارگتیو مورد توجه قرار داده است. وی ویژگی ارگتیو را برای فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی التزامی، ماضی بعید و ماضی بعید خواستاری که از ماده ماضی ساخته می‌شود، در نظر می‌گیرد و فعل‌های ماضی مستمر، ماضی استمراری و ماضی استمراری خواستاری را که با استفاده از ماده مضارع ساخته می‌شود، فاقد ویژگی ارگتیو معرفی می‌کند (۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۳). تنها دسته‌بندی ارائه شده از فعل‌های گویش مرکزی زبان تالشی از نظر ویژگی ارگتیو به شکل ارائه ساختار و صیغگان فعل‌ها بدون اشاره به ویژگی ارگتیو دوجزیی و بررسی آن، توسط وی ارائه شده است. وی در بررسی خود تنها به ارائه نمونه‌هایی از بندهای گذرای دارای فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید (محدود به صورت آوانگاری شده و برگردان به فارسی) صرف نظر از تحلیل ویژگی ارگتیو دوجزیی در فعل‌های مورد نظر بسنده کرده است (همان، ۱۲۳-۱۲۵). بنابراین، ویژگی ارگتیو دوجزیی تاکنون با توجه به اصول زبان‌شناختی توصیف و تحلیل نشده است. بنابر آنچه گفته شد، اهمیت پژوهش حاضر با توجه به لزوم ثبت و تحلیل زبان‌شناختی داده‌های این زبان در معرض خطر آشکار می‌گردد.

۳- ویژگی ارگتیو دوجزیی

بر اساس تعریفی که اُگرادی (به نقل از تاکاهاشی، ۲۰۰۹) از ویژگی ارگتیو دوجزیی ارائه می‌دهد این ویژگی عبارت است از ترکیبی از حالت‌نمایی‌های فاعلی-مفعولی و ارگتیو-مطلق. مبنای الگوی ارگتیو دوجزیی در زبان‌ها متفاوت است. به اعتقاد بات^۱ (۲۰۰۵) ویژگی ارگتیو دوجزیی که در اکثر زبان‌های ارگتیو دیده می‌شود، دارای مبنای گروه اسمی^۲ و یا زمان/نمود^۳ است. وی انواع ارگتیو دوجزیی را بر اساس دو معیار زمان/نمود و گروه اسمی این‌گونه توصیف می‌کند:

- ارگتیو دوجزیی زمان/نمود: الگویی که در آن تنها برخی زمان/نمودها (معمولا ماضی^۴ / کامل^۵) در زبان مورد بررسی دارای حالت ارگتیو هستند.
- ارگتیو دوجزیی گروه اسمی: الگویی که در آن تنها برخی از گروه‌های اسمی یا ضمیرها حالت ارگتیو را نشان می‌دهند.

^۱- Butt

^۲- NP-split

^۳-tense/aspect

^۴- past

^۵- perfective

به اعتقاد کُرن^۱ (۲۰۰۴) ویژگی ارگتیو دوجزیی در بسیاری از زبان‌های نوین ایرانی دیده می‌شود. وی نیز مانند بات، برای توصیف این ویژگی، دسته‌بندی بر مبنای زمان و گروه اسمی را در نظر می‌گیرد.

۴- تحلیل داده‌ها

۴-۱- تحلیل داده‌ها بر مبنای معیار زمان / نمود

بر اساس معیار زمان/نمود، در زبانی‌هایی که ویژگی ارگتیو را بر مبنای زمان یا نمود نمایان می‌سازند، ساخت ارگتیو تنها در زمان ماضی و نمود کامل دیده می‌شود (کُرن، ۲۰۰۴). بر اساس فرضیه‌های تحقیق، انتظار می‌رود گویش مرکزی زبان تالشی ویژگی ارگتیو دوجزیی را نشان دهد و از هر دو معیار زمان/نمود و گروه اسمی استفاده کند. در این بخش با ارائه تحلیل بندهای ارگتیو گذرا که شامل فعل‌هایی با زمان ماضی و نمود کامل است و نیز بندهای مفعولی گذرا که در آنها فعل‌های زمان ماضی با نمود مستمر به کار رفته است، ویژگی ارگتیو بر مبنای معیار زمان/نمود در گویش مرکزی زبان تالشی بررسی می‌شود.

۴-۱-۱- تحلیل بندهای ارگتیو گذرا

بندهای مورد بررسی شامل فعل‌های ماضی ساده، ماضی بعید، ماضی بعید خواستاری، ماضی نقلی و ماضی التزامی است که در ساختار آنها ماده ماضی به کار رفته است و با توجه به تقسیم بندی رضایتی که در بخش ۲ به آن اشاره شد و نیز معیار زمان/نمود در بخش ۳، در آنها تنها ساخت ارگتیو دیده می‌شود. همانطور که پیشتر توضیح داده شد، در هر یک از نمونه‌ها ابتدا صورت آوانگاری شده، سپس تحلیل تصریفی حالت در هر صورت واژگانی و به دنبال آن برگردان فارسی نمونه‌ها ارائه می‌شود. در روند ارائه تحلیل داده‌ها پس از درج مثال‌ها، ابتدا نکات مشترک بررسی و سپس بررسی هر یک از نمونه‌ها به صورت جداگانه ارائه می‌شود.

• ماضی ساده^۲

مثال (۱)

a	-š	vind-a-ø
۳مفرد.مطلق.او	پسوند ضمیری ^۳ . ۳مفرد.ارگتیو.او	مطابقه-پایانه ارگتیو- ماضی.دیدن
«او (O) را دید [او(A)].»		

^۶- Korn

^۱- نمونه‌های ۱-۷ از رضایتی (۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۵) نقل شده‌اند.

2-suffixed pronoun

مثال (۲)

ženak-un	læs-ø	bard-a-ø
جمع. ارگتیو-زن	مفرد. مطلق-چوب	مطابقه-پایانه ارگتیو-ماضی. بردن
«زن‌ها (A) چوب (O) را بردند.»		

مثال (۳)

mən	də gəla mây-ø	gat-a-ø
۱ مفرد. ارگتیو. من	مطلق. مفرد-ماهی تا ۲	پایانه ارگتیو-ماضی. گرفتن
«من (A) دو تا ماهی (O) گرفتم.»		

مثال (۴)

tə	ama	-r	kəšt-a-ø
۲ مفرد. مطلق. تو	۱ جمع. مطلق. ما	پسوند ضمیری ۲ مفرد. ارگتیو. تو	مطابقه- پایانه ارگتیو- ماضی. کشتن
«تو (A) ما (O) را کشتی.»			

فعل‌ها در نمونه‌های فوق، به ترتیب عبارتند از "vind-a-ø"، "bard-a-ø"، "gat-a-ø" و "kəšt-a-ø" که همگی از زمان ماضی ساده و نمود کامل برخوردارند. در این نمونه‌ها مطابقه^۱ فعل تظاهر ساختوازی ندارد و به شکل "ø"- نشان داده شده است. در مثال (۱)، حالت فاعل بند گذرا (A)^۲، "š"، که به صورت پسوند ضمیری^۳ سوم شخص مفرد ظاهر شده است، ارگتیو و حالت ضمیر منفصل سوم شخص مفرد، "a"، در نقش مفعول (O)، مطلق است.

^۱ - agreement

برای اطلاعات بیشتر در زمینه مطابقه در گویش مرکزی زبان تالشی ر.ک به پایان‌نامه نگارنده با عنوان «بررسی حالت‌نمایی ارگتیو در زبان تالشی در چارچوب نظریه بهینگی».

۲- نشانه‌های اختصاری S، A و O به ترتیب برای اشاره به فاعل بند گذرا، فاعل بند ناگذرا و مفعول بند گذرا از دیکسون (۱۹۹۴) گرفته شده است.

۳- در زمینه تحلیل پسوندهای ضمیری در گویش مرکزی زبان تالشی ر.ک به مقاله نگارنده با عنوان «نشانداری حالت ارگتیو و مطابقه در بند متعدی در گویش مرکزی زبان تالشی».

در مثال (۲) فاعل بند گذرا (A)، اسم ^۱ "ženak-un" است که پایانه "-un" در آن شمار جمع و حالت ارگتیو را نشان می‌دهد. در این نمونه مفعول بند گذرا (O) اسم "lās-ø" است. در این واژه نشانه شمار مفرد و حالت مطلق تظاهر ساختواژی ندارد و به صورت "-ø" نشان داده می‌شود.

در نمونه شماره (۳) نیز فاعل بند گذرا (A) ضمیر منفصل اول شخص مفرد "mən" است که حالت ارگتیو را نشان می‌دهد. در اینجا نقش مفعول بند گذرا (O) را گروه اسمی "dā gəla mây-ø" ایفا می‌نماید. هسته گروه مورد بحث، اسم "mây-ø" است که در آن برای نشان دادن عدم تظاهر ساختواژی حالت مطلق و شمار مفرد از نشانه "-ø" استفاده شده است. صفت شمارشی ^۲ "dā" شمار ماهی‌ها را در این گروه اسمی نشان می‌دهد.

در مثال (۴) فاعل بند گذرا (A)، ضمیر منفصل دوم شخص مفرد "tə"، حالت مطلق و مفعول بند گذرا (O)، ضمیر منفصل اول شخص جمع "ama"، حالت مطلق را نشان می‌دهند. در این نمونه پسوند ضمیری "i" از نظر شخص و شمار با فاعل (A) مطابقت می‌کند در حالی که حالت ارگتیو را نشان می‌دهد (این نکته در بخش ۴-۲ مورد بحث قرار می‌گیرد).

• ماضی بعید

مثال (۵)

amad-i	aye	vinda	ba-ø
ارگتیو، مفرد-احمد	۳ جمع. مطلق. آن‌ها	اسم مفعول. دیدن	مطابقه-ماضی ساده-بود
«احمد (A) آن‌ها (O) را دیده بود.»			

مثال (۶)

pešanda	-šun	ba-ø	žay-e
اسم مفعول. پاشیدن	پسوند ضمیری. ۳ جمع. ارگتیو. آنها	مطابقه-ماضی ساده-بود	مطلق. جمع-جو
«جوها (O) را پاشیده بودند (A).»			

^۱ - در زمینه پایانه‌های اسمی ر.ک رضایتی (۱۳۸۶: ۳۳-۳۴).

^۲ - در زمینه صفت شمارشی ر.ک رضایتی (۱۳۸۶: ۴۳).

مثال (۷)

varg-un	mən	zârnəst-a	ba-ø
ارگتیو. جمع-گرگ	۱ مفرد. مطلق. من	اسم مفعول. دریدن	مطابقه-ماضی ساده-بود
«گرگ‌ها (A) من (O) را دریده بودند.»			

در مثال‌های (۵-۷)، به ترتیب فعل‌های ماضی بعید "vinda ba"، "pešanda ba" و "zârnəst-a ba" دارای نمود کامل‌اند و مطابقه در این نمونه‌ها تظاهر ساختواژی ندارد که با "ø-" نشان داده شده است.

در مثال (۵)، فاعل بند گذرا (A)، اسم "amad-i" است که پایانه "i-" در آن شمار مفرد و حالت ارگتیو را نشان می‌دهد. در این نمونه مفعول بند گذرا (O)، ضمیر منفصل جمع "aye" می‌باشد که حالت مطلق را نشان می‌دهد.

در مثال (۶) نیز فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری سوم شخص جمع "šun-" است که حالت ارگتیو را نشان می‌دهد. در این نمونه مفعول بند گذرا (O)، اسم "žay-e" می‌باشد که در آن پایانه "e-" حالت مطلق و شمار جمع را نشان می‌دهد.

در مثال (۷) فاعل بند گذرا (A)، اسم "varg-un" است و پایانه "un-" در آن شمار جمع و حالت ارگتیو را نشان می‌دهد. در اینجا مفعول بند گذرا (O)، ضمیر منفصل اول شخص مفرد "mən" می‌باشد که دارای حالت ارگتیو است.

- ماضی بعید خواستاری^۱

مثال (۸)

bar-e	vigata	-šun	babe-ø
جمع. مطلق - در	اسم مفعول. گرفتن	پسوند ضمیری. جمع ارگتیو. آنها	مطابقه-ماضی استمراری. می‌بود
«درها (O) را می‌گرفته بودند (A).»			

مثال (۹)

amun	kəla-y-e	vinda	babe-ø
۳ جمع ارگتیو. آنها	جمع. مطلق-واج میانجی- دختر	اسم مفعول. دیدن	مطابقه-ماضی استمراری. می‌بود
«آن‌ها (A) دخترها (O) را می‌دیده بودند.»			

^۱ - نمونه‌های ۸-۲۶ از طریق مصاحبه با گویشوران بومی گردآوری شده‌اند.

در نمونه‌های ۸ و ۹، فعل‌های ماضی بعید خواستاری "vigata babe" و "vinda babe" دارای نمود کامل‌اند و عدم تظاهر ساختواژی مطابقه در آنها با استفاده از "∅-نشان داده شده است. در مثال (۸)، فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری سوم شخص جمع "šun-" در حالت ارگتیو و مفعول بند گذرا (O)، اسم "bar-e" است که پایانه "e-" در آن نماینده حالت مطلق و شمار جمع است.

در مثال ۹ نیز فاعل بند گذرا (A)، ضمیر سوم شخص جمع "amun" با حالت ارگتیو و مفعول بند گذرا (O)، اسم جمع "kəla-y-e" است که در آن پایانه "e-" حالت مطلق و شمار جمع را نشان می‌دهد.

• ماضی نقلی

مثال (۱۰)

karg-un	vinda	-m	-a-∅
جمع.مطلق-مرغ	اسم مفعول.دیدن	پسوند ضمیری.۱.مفرد.ارگتیو.من	مطابقه- پایانه نقلی
« مرغ‌ها (O) را دیده‌ام (من A). »			

مثال (۱۱)

mən	vara-m-un	vinda	-y-a-∅
۱.مفرد.ارگتیو. من	جمع.مطلق- واج میانجی- بره	اسم مفعول.دیدن	مطابقه- پایانه نقلی- واج میانجی
« من (A) بره‌ها (O) را دیده‌ام »			

مثال ۱۲

karg-un	žā-∅	harda	-y-a-∅
جمع.ارگتیو- مرغ	مفرد. مطلق- جو	اسم مفعول.خوردن	مطابقه- پایانه نقلی- واج میانجی
« مرغ‌ها (A) جو (O) را خورده‌اند. »			

فعل‌های ماضی نقلی "vinda-m-a"، "vinda-y-a" و "harda-y-a" که به ترتیب در مثال‌های ۱۰-۱۲ آمده‌اند، دارای نمود کامل‌اند و مطابقه در آنها تظاهر ساختواژی ندارد، بنابراین نشانه "∅-" برای نمایانن مطابقه به کار رفته است.

در مثال ۱۰، فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری اول شخص مفرد "m-" دارای حالت ارگتیو و مفعول بند گذرا (O)، اسم جمع "karg-un" است که در آن پایانه "un-" نماینده حالت مطلق و شمار جمع است.

در مثال ۱۱، فاعل بند گذرا (A)، ضمیر اول شخص مفرد "mən" دارای حالت ارگتیو و مفعول بند گذرا (O)، اسم جمع "vara-m-un" است که در آن پایانه "un-" نماینده حالت مطلق و شمار جمع است.

در مثال ۱۲، فاعل بند گذرا (A)، اسم "karg-un" است که در آن پایانه "un-" حالت ارگتیو و شمار جمع را نشان می‌دهد. در بند مورد بحث، مفعول بند گذرا (O)، اسم مفرد "žā-ø" است که در آن پایانه "ø-" حالت مطلق و شمار مفرد را نشان می‌دهد.

• ماضی التزامی

مثال (۱۳)

mən	kəla-y-e	vinda	bubu-ø
۱ مفرد، ارگتیو. من	جمع. مطلق - واج میانجی - دختر	اسم مفعول. دیدن	مطابقه - ماضی التزامی. باشد
« من (A) دخترها (O) را دیده باشم. »			

مثال (۱۴)

vāš-e	fanda	-run	bubu-ø
جمع. مطلق - علف	اسم مفعول - انداختن	پسوند ضمیری. ۲ جمع. ارگتیو. شما	مطابقه - ماضی التزامی. باشد
« علفها (O) را انداخته باشید (شما A). »			

مثال (۱۵)

šət-ø	varda	-r	bubu-ø
مطلق. مفرد - شیر	اسم مفعول. آوردن	پسوند ضمیری. ۲ مفرد، ارگتیو. تو	مطابقه - ماضی التزامی. باشد
« شیر (O) را آورده باشی (تو A). »			

فعل‌های ماضی التزامی "vinda bubu"، "fanda-run bubu" و "varda-r bubu" که به ترتیب در نمونه‌های ۱۳-۱۵ آمده‌اند، دارای نمود کامل‌اند و عدم تظاهر ساختواژی مطابقت در آنها با "∅" نشان داده شده است.

در مثال ۱۳، فاعل بند گذرا (A)، ضمیر اول شخص مفرد "mən" در حالت ارگتیو و مفعول بند گذرا (O)، اسم جمع "kəla-y-e" است که پایانه "e" در آن نشان دهنده حالت مطلق و شمار جمع است.

در مثال ۱۴، فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری دوم شخص جمع "run" در حالت ارگتیو و اسم جمع "vâš-e" مفعول بند گذرا (O) در حالت مطلق است که در آن پایانه "e" حالت و شمار را نشان می‌دهد.

در مثال ۱۵، فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری دوم شخص مفرد "r" در حالت ارگتیو است. در این بند، مفعول بند گذرا (O)، اسم مفرد "šət-∅" با حالت مطلق است که پایانه "∅" در آن حالت و شمار را نشان می‌دهد.

بر اساس مثال‌های فوق، می‌توان ساختار الگوی حالت را در زمان‌های ایجاد شده بر اساس ماده ماضی در جدول زیر ارائه داد:

فعل	حالت	مطابقت فعل
گذرا	فاعل (A): ارگتیو یا مطلق مفعول: مطلق	بدون تظاهر ساختواژی با نشانه ∅-

جدول (۱) حالت در فعل‌های دارای ماده ماضی

۴-۱-۲ - تحلیل بندهای مفعولی گذرا

این بخش به ارائه و تحلیل نمونه‌هایی از بندهای گذرای اختصاص دارد که شامل فعل‌های ماضی مستمر، ماضی استمراری و ماضی استمراری خواستاری است که در ساختار آنها از ماده مضارع استفاده شده است. بر اساس دسته‌بندی رضایتی (بخش ۲) و نیز بر مبنای معیار زمان/نمود (بخش ۳) در گویش مرکزی زبان تالشی بندهای گذرای که شامل فعل‌های مورد بحث باشند، حالت ارگتیو را بروز نمی‌دهند بلکه در آنها الگوی حالت مفعولی دیده می‌شود. در نمونه‌های مورد بررسی در این بخش نیز در ارائه داده‌ها و تحلیل آنها از روند بخش قبل استفاده می‌شود.

۱- شیوه طراحی جدول‌ها از گرن (۲۰۰۴) اقتباس شده است.

• ماضی مستمر

مثال (۱۶)

hasan-i	kâ	b-im-ø	že
مفعولی. مفرد- حسن	نمود مستمر	۱ مفرد. فاعلی. من-	مصدر. زدن مطابقه- پسوند ضمیری. ۱ مفرد. فاعلی. من- ماده مضارع. بودن
« داشتم حسن (O) را می‌زدم (من A). »			

مثال (۱۷)

pas-ø	kâ	b-a-ø	vâš-un	harde
فاعلی. مفرد- گوسفند	نمود مستمر	مطابقه- پسوند ضمیری. ۳ مفرد. فاعلی- ماده مضارع. بودن	مفعولی. جمع- علف	مصدر. خورد ن
« گوسفند (A) داشت علف‌ها (O) را می‌خورد. »				

در مثال‌های ۱۶ و ۱۷، به ترتیب فعل‌های ماضی مستمر "kâ b-im-ø že" و "kâ b-a-ø" با نمود استمراری است که جزء فعلی "kâ" در آن‌ها نماینده نمود مورد نظر است و عدم تظاهر ساختوازی مطابقه در آنها با "ø" نشان داده شده است. در مثال ۱۶، فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری اول شخص مفرد "im-" است که حالت فاعلی دارد و مفعول بند گذرا (O)، اسم مفرد "hasan-i" است که پایانه "i-" در آن نشان دهنده حالت مفعولی و شمار مفرد است. در نمونه ۱۷، فاعل بند گذرا (A)، اسم مفرد "pas-ø" است که پایانه "ø" حالت فاعلی و شمار مفرد آن را نشان می‌دهد. اسم جمع "vâš-un" مفعول بند گذرا (O) در حالت مفعولی است که پایانه "un-" حالت و شمار آن را نشان می‌دهد.

• ماضی استمراری

مثال (۱۸)

ayi	a-	-vin-	-i-ø
ضمیر. ۳ مفرد. مفعولی. او	نمود مستمر	ماده مضارع. دیدن	مطابقه- پسوند ضمیری. ۳ مفرد. فاعلی
« او (O) را می‌دید (او A). »			

مثال (۱۹)

karg-un	a-	-pej-	-im-ø
مفعولی. جمع - مرغ	نمود مستمر	ماده مضارع. پختن	مطابقه - پسوند ضمیری. ۱. مفرد. فاعلی
« مرغ‌ها (O) را می‌پختم (من A). »			

مثال (۲۰)

dâz-i	a-	-čak-	-iš-ø
مفعولی. مفرد - داس	نمود مستمر	ماده مضارع. شکستن	مطابقه - پسوند ضمیری. ۲. مفرد. فاعلی
« داس (O) را می‌شکستی (تو A). »			

فعل‌های ماضی استمراری در نمونه‌های ۱۸-۲۰، به ترتیب عبارتند از: "a-vin-i-ø"، "a-pej-im-ø" و "a-čak-iš-ø" که نمود مستمر در آنها با استفاده از پیشوند "a-" نشان داده می‌شود. در فعل‌های ارائه شده در مثال‌های ۱۸-۲۰، ماده مضارع به کار رفته و همانند سایر فعل‌های مورد بررسی، عدم تظاهر ساختواژی مطابقه در آنها با "ø-" نشان داده شده است.

در مثال ۱۸، فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری اول شخص مفرد "i-" است که حالت فاعلی دارد و مفعول بند گذرا (O)، ضمیر منفصل سوم شخص مفرد "ayi" است که در حالت مفعولی ظاهر شده است.

در مثال ۱۹، فاعل بند گذرا (A)، در حالت فاعلی و شمار مفرد به صورت پسوند ضمیری اول شخص به شکل "im-" ظاهر شده است. اسم جمع "karg-un" نیز نقش مفعول بند گذرا (O) را، در حالت مفعولی با پایانه "un-" ایفا می‌نماید که نشان دهنده حالت و شمار آن است.

در مثال ۲۰، فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری دوم شخص مفرد "iš-" در حالت فاعلی است. اسم مفرد "daz-i" نیز نقش مفعول بند گذرا (O) را داراست و پایانه "i-" در این واژه حالت مفعولی و شمار مفرد را نشان می‌دهد.

• ماضی استمراری خواستاری

مثال (۲۱)

amad-ø	ayi	a-	-šur-	-e-ø
فاعلی. مفرد - احمد	ضمیر ۳. مفرد. مفعولی. او	نمود مستمر	ماده مضارع. شستن	مطابقه - خواستاری
« احمد (A) او (O) را می‌شست. »				

مثال (۲۲)

šət-i	a-	-har-	-e-n-Ø
مفرد.مفعولی - شیر	نمودمستمر	ماده مضارع. خوردن	مطابقت-پسوند ضمیری. ۳. جمع. فاعلی - خواستاری
« شیر (O) را می‌خوردند (آن‌ها A). »			

مثال (۲۳)

ama	a-	-vin-	-e-run-Ø
ضمیر ۱ جمع. مفعولی. ما	نمود مستمر	ماده مضارع. دیدن	مطابقت-پسوند ضمیری. ۲. جمع. فاعلی - خواستاری
« ما (O) را می‌دیدید (شما A). »			

در مثال‌های ۲۱-۲۳، فعل‌های ماضی استمراری خواستاری دیده می‌شود که به ترتیب عبارتند از: "a-šur-e-Ø"، "a-har-e-n-Ø" و "a-vin-e-run-Ø". در فعل‌های مورد بحث، پیشوند "a-" نمود مستمر را نشان می‌دهد و در ساختار آنها کاربرد ماده مضارع دیده می‌شود. وند "e-" نیز نشانه وجه خواستاری است و مانند فعل‌هایی که تاکنون مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، نشانه "Ø" در آنها عدم تظاهر ساختوازی مطابقت را نشان می‌دهد.

در مثال ۲۱، اسم مفرد "amad-Ø" فاعل بند گذرا (A) است که با حالت فاعلی، با نشانه "Ø" برای نمایاندن شمار و حالت ظاهر شده است و مفعول بند گذرا (O) ضمیر منفصل سوم شخص مفرد "ayi" است که در حالت مفعولی دیده می‌شود.

در مثال ۲۲، فاعل بند گذرا (A)، در حالت فاعلی و شمار جمع به صورت پسوند ضمیری سوم شخص به شکل "n-" ظاهر شده است. اسم مفرد "šət-i" نیز نقش مفعول بند گذرا (O)، را ایفا می‌کند. در این اسم که دارای حالت مفعولی است، پایانه "i-" نشان دهنده حالت و شمار است.

در مثال ۲۳، فاعل بند گذرا (A)، پسوند ضمیری دوم شخص جمع "run-" در حالت فاعلی است. مفعول بند گذرا (O) نیز ضمیر منفصل اول شخص جمع "ama" در حالت مفعولی است.

بر اساس مثال‌های مورد بررسی در این بخش، ساختار الگوی حالت در زمان‌های ایجاد شده بر اساس ماده مضارع در جدول زیر ارائه می‌شود:

مطابقه فعل	حالت	فعل
بدون تظاهر ساختوازی با نشانه -ø	فاعل (A): فاعلی مفعول: مفعولی	گذرا

جدول (۲) حالت در فعل‌های دارای ماده مضارع

۴-۲- تحلیل داده‌ها بر مبنای معیار گروه اسمی

بر اساس معیارهای تحلیل ویژگی ارگتیو دوجزیی که در بخش ۳ ارائه شد، در زبان‌هایی که ویژگی ارگتیو دوجزیی گروه اسمی را نشان می‌دهند، برخی گروه‌های اسمی یا ضمیرها در ساخت‌های ارگتیو رفتار یکسانی ندارند. گروه‌های اسمی مورد بحث در چنین ساخت‌هایی با حالت ارگتیو ظاهر نمی‌شوند بلکه حالت مطلق را بروز می‌دهند. در ادامه به منظور تحلیل ویژگی ارگتیو دوجزیی بر مبنای معیار گروه اسمی، به بررسی مثال‌های ارائه شده از بندهای ارگتیو گویش مرکزی زبان تالشی از دیدگاه مورد نظر پرداخته می‌شود. در مثال‌های مورد بررسی، گروه اسمی مورد بحث و حالت مربوط به آن به شکل تیره مشخص می‌شوند.

۴-۲-۱- تحلیل بندهای ارگتیو گذرا^۱

مثال (۲۴)

tə	ama	-r	vind-a-ø
۲مفرد. مطلق. تو	۱جمع. مطلق. ما	پسوند ضمیری ۲مفرد. ارگتیو. تو	مطابقه- پایانه ارگتیو- ماضی. دیدن
«تو (A) ما (O) را دیدی.»			

مثال (۲۵)

ama	tə	-mun	râxnəst-a-ø
۱جمع. مطلق. ما	۲مفرد. مطلق. تو	پسوند ضمیری ۱جمع. ارگتیو. ما	مطابقه- پایانه ارگتیو- ماضی. رهاندن
«ما (A) تو (O) را آزاد کردیم.»			

۱- مثال‌های ۲۵ و ۲۶ از رضایتی (۱۳۸۶: ۱۲۵) نقل شده و مثال ۲۹ از طریق مصاحبه با گویشوران بومی به دست آمده است.

مثال (۲۶)

šəma	ama	nə-vind-a-ø
۲ جمع. مطلق. آن	۱ جمع. مطلق. ما	مطابقه- پایانه ارگتیو- ماضی- منفی ساز. دیدن
« شما (A) ما را (O) ندیدید.»		

در مثال‌های ۲۴-۲۵ به ترتیب فعل‌های ماضی ساده "vind-a-ø"، "rāxnəst-a" و "nə-vind-a-ø" با نمود کامل اند که در آنها مطابقه، تظاهر ساختوازی ندارد و به شکل "ø-" نشان داده شده است.

در مثال ۲۴ فاعل بند گذرا (A)، ضمیر منفصل دوم شخص مفرد "tə" است که بر خلاف الگوی حالت ارگتیو با حالت مطلق ظاهر شده است. در این نمونه مفعول بند گذرا (O)، ضمیر منفصل اول شخص جمع "ama" است که حالت مطلق را نشان می‌دهد. نکته قابل ذکر این است که پسوند ضمیری "r-" از نظر شخص و شمار با ضمیر منفصل "tə" مطابقت می‌کند در حالی که حالت ارگتیو را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، پسوند ضمیری "r-" حالتی را بروز می‌دهد که انتظار می‌رود فاعل (A) بر اساس الگوی ارگتیو نشان دهد. نمونه ۴ که در بخش ۴-۱-۱ ارائه شد نیز ساختاری مشابه آنچه در مثال ۲۴ دیدیم نشان می‌دهد.

در مثال ۲۵، ضمیر منفصل اول شخص مفرد "ama"، فاعل (A) بند گذرا است اما مانند آنچه در مثال ۲۴ دیدیم بر خلاف الگوی حالت حاکم بر ساخت ارگتیو، حالت مطلق را نشان می‌دهد. ضمیر منفصل دوم شخص مفرد "tə" نیز در این نمونه دارای حالت مطلق و نقش مفعول (O) است. در این نمونه نیز مانند مثال بالا، پسوند ضمیری "mun-" از نظر شخص و شمار با ضمیر منفصل "ama" مطابقت دارد اما حالت ارگتیو را نشان می‌دهد.

در مثال ۲۶ نیز فاعل (A) ضمیر منفصل دوم شخص جمع "šəma" است که مانند دو مثال دیگر بر خلاف الگوی حالتی که در ساخت ارگتیو باید دیده شود، با حالت مطلق ظاهر شده است و ضمیر منفصل اول شخص جمع "ama"، مفعول (O)، دارای حالت مطلق است.

حذف کردن پسوندهای ضمیری "r-" و "mun-" به ترتیب در نمونه‌های ۲۴ و ۲۵، از نظر دستوری در بندهای مربوطه اشکالی ایجاد نمی‌کند زیرا به اعتقاد رضایتی مثال‌های مورد بحث که در آنها پسوندهای ضمیری و ضمیرهای منفصل در نقش فاعل بند گذرا ظاهر شده‌اند صورت تأکیدی را نشان می‌دهند (رضایتی، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

بنابراین بر اساس معیارهای ویژگی ارگتیو دوجزیی ارائه شده در بخش ۳ و تحلیل مثال‌های ۲۴-۲۵، در گویش مرکزی زبان تالشی علاوه بر ویژگی ارگتیو دوجزیی بر مبنای معیار زمان/نمود، شاهد ویژگی ارگتیو دوجزیی گروه اسمی نیز هستیم.

بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته نظام حالت ارگتیو در گویش مرکزی زبان تالشی، در جدول زیر ارائه شده است:

مفعول (O)	فاعل (A)	پسوندهای ضمیری
مطلق: مفرد -Ø جمع -e(n) ضمیر ۱ مفرد: ارگتیو	ارگتیو: مفرد -i/-Ø جمع -un ضمیر ۲ مفرد و ۱ و ۲ جمع: مطلق	مطابقت با فاعل (A) در شخص، شمار و حالت: مفرد m(ə)-، r(ə)- (به جز حالت)، š(ə)- جمع mun(ə)- (به جز حالت)، run(ə)- (به جز حالت)، - šun(ə)

جدول ۳: ساخت ارگتیو در گویش مرکزی زبان تالشی

۵ - نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، ویژگی ارگتیو دوجزی را در گویش مرکزی زبان تالشی در دامنه بندهای گذرای ساده مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، ساختار نمونه‌های زبانی به لحاظ ساختار و نحوی تحلیل و ویژگی‌های مطابقت شخص و شمار و نیز نقش دستوری اجزا مشتمل بر نقش‌های فاعلی و مفعولی در تمامی نمونه‌ها در سراسر پژوهش ارائه شد. تحلیل‌های ارائه شده روندهای متفاوت در زمینه چگونگی حالت‌نمایی فاعل (A) در بندهای گذرای ساده در گویش مرکزی تالشی را بر اساس معیار زمان/نمود و ماده به کار رفته و نیز بر مبنای گروه اسمی در ساختمان فعل‌های موجود در بندهای مورد بررسی آشکار ساخت. بر این اساس بر مبنای معیار زمان/نمود در گویش مورد بررسی از زبان تالشی، در بندهای گذرای که فعل در آنها دارای ماده ماضی و نمود کامل است الگوی حالت ارگتیو در ساختار بند، حاکم است. در مقابل در بندهای گذرای که فعل در آنها بر پایه ماده مضارع ساخته شده و نمود استمراری را بروز می‌دهد، الگوی حالت مفعولی دیده می‌شود. ویژگی ارگتیو دوجزی در گویش مورد بررسی بر مبنای معیار گروه اسمی نیز در بندهای گذرای ارگتیو دیده می‌شود. در این بندها که دارای فعل ساخته شده بر مبنای ماده ماضی با نمود کامل و الگوی حالت ارگتیو هستند، ضمیرهای منفصل دوم شخص مفرد، و اول و دوم شخص جمع در نقش فاعل (A)، حالت مطلق را بروز می‌دهند؛ درحالی که بر اساس الگوی ارگتیو انتظار می‌رود ضمیرهای مورد بحث حالت ارگتیو را نمایان سازند.

بنابراین، نتایج حاصل از بررسی حاضر، فرضیه‌های پژوهش را تأیید می‌کنند:

زبان تالشی به عنوان زبانی متعلق به گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی در گویش مرکزی خود، مانند بسیاری از دیگر زبان‌های نوین ایرانی ویژگی ارگتیو دوجزیی را داراست و ویژگی مورد نظر را بر اساس معیارهای زمان/نمود و گروه اسمی بروز می‌دهد.

منابع

- باقری، م (۱۳۸۳). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: نشر قطره.
- رضایتی کیشه خاله، م (۱۳۸۴). «ارگتیو در گویش تالشی». *مجله زبان‌شناسی*. پیاپی ۳۹، شماره اول، ۱۲۷-۱۱۳.
- - (۱۳۸۶). *زبان تالشی: توصیف گویش مرکزی*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- عبدلی، ع (۱۳۸۰ ب). *فرهنگ تطبیقی تالشی، تاتی، آذری*. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Asatrian, g. and H. Borjian (2005) "Talish and the Talishis". p 60, Retrieved June 5, 2009 from Web Site: www.angelfire.com/un2/talishstudy/talish_study.pdf
- Butt, M. (2005) "Differential Case Marking Theory (DCT)". p 3, Retrieved June 5, 2009 from Web Site: www.hum.uit.no/a/svenonius/papers/Butt05CaseHO.pdf
- Dixon, R. M. W. (1994) *Ergativity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Korn, A. (2004) "The Ergative System in Balochi from a Typological Perspective". in *Studies on the Typology of the Iranian Languages*. M. Bakhtiari (ed.), Munich: Lincom, pp 11-13, Retrieved June 4, 2009 from Web Site: www.titus.uni-frankfurt.de/personal/agnes/ergativ.pdf
- Takahashi, N. (2003) "Split Ergativity in Pashto". p 13, Retrieved June 4, 2009 from Web Site: [http://library.nakanishi.ac.jp/kiyou/gaidai\(35\)/08.pdf](http://library.nakanishi.ac.jp/kiyou/gaidai(35)/08.pdf)